

«سناریونویسی» و آینده حیات سیاسی انقلاب اسلامی ایران

محمد جواد هراتی

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا

مسعود معینی پور

دانشجوی دکتری رشته معارف اسلامی (گرایش مطالعات انقلاب اسلامی) دانشگاه معارف

اسلامی قم

(تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۲۲ - تاریخ تصویب: ۹۰/۱۲/۷)

چکیده:

پس از هر انقلابی، حساس ترین مسأله، موضوع تداوم و آینده انقلاب بوده است. از این منظر مقاله حاضر تلاش می کند تا با توجه به اهمیت آینده انقلاب اسلامی ایران و با در نظر گرفتن فشار های بین المللی علیه آن، با استفاده از شیوه سناریو نویسی به عنوان یکی از شیوه های آینده پژوهی، به طرح برخی سناریو های مطرح درباره آینده حیات سیاسی انقلاب اسلامی پرداخته و تحلیلی از آینده ارائه دهد. در این پژوهش با طرح و نقد چند سناریو در بحث مورد نظر، این فرضیه مورد تأیید قرار خواهد گرفت که انقلاب اسلامی ایران با در نظر گرفتن پارامتر های مختلف، روند بالنده ای را در حیات سیاسی خود تجربه خواهد نمود.

واژگان کلیدی:

آینده پژوهی، سناریو نویسی، انقلاب اسلامی

مقدمه

پژوهش پیرامون آینده از موضوعات جذابی است که امروزه به عنوان یک رشته علمی واجد روش هایی برای پیش بینی از مسائل آینده تحت عنوان آینده پژوهی مورد استفاده قرار می گیرد.

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از انقلاب های تأثیر گذار در دنیای معاصر همواره موضوعی مهم برای پژوهشگران بوده و مسائل آن در پژوهش های گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس سؤال اصلی پژوهش پیش رو این است که با توجه به شرایط موجود در جهان و فشار های بین المللی علیه این کشور، آینده نظام سیاسی انقلاب اسلامی چگونه خواهد بود؟

پیش بینی اینکه در آینده چه وضعیتی برای انقلاب اسلامی روی خواهد داد، ما را با وضعیت های محتمل آینده حیات نظام سیاسی انقلاب اسلامی آشنا می کند و قادر است به شناسایی برخی از مسائل در راه پیشرفت انقلاب اسلامی کمک نماید. بدین ترتیب ما را در شناسایی و رفع برخی مشکلات احتمالی آینده هدایت می نماید.

در این مقاله به منظور ارائه تحلیلی از آینده نظام سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی و پیشبینی از آن تلاش می کنیم تا برخی سناریوهای محتمل درباره انقلاب اسلامی را مطرح نموده و سپس به ارزیابی هر یک از آنان بپردازیم. پس از نقد و ارزیابی این سناریوها با استفاده از شواهد و تجربیات تاریخی تلاش می کنیم تا آینده مطلوب را ارائه نمایم.

«سناریوی عدول از آرمان ها به دلایل فرا مادی»، «سناریوی تضعیف نظام در اثر فشارهای بین المللی» و «سناریوی تضعیف نظام در اثر منازعات سیاسی داخلی»، سه سناریویی هستند که به طرح آنان پرداخته و در باب آینده انقلاب اسلامی ایران مطرح و مورد نقد قرار خواهد گرفته و سناریوی تقویت جایگاه انقلاب اسلامی مورد تأیید قرار خواهد گرفت.

باید توجه داشت که آینده انقلاب ها از جمله انقلاب اسلامی ایران، پژوهش های مختلف و بر اساس چارچوبهای دیگر مورد بحث واقع شده است. به عنوان نمونه یکی از دیدگاه هایی که به بررسی چهار انقلاب بزرگ جهان پرداخته، نظریه «کرین بریتون» در کتاب «کالبد شکافی چهار انقلاب» است. وی سعی دارد نظریه خود را به عنوان یک مدل قابل تعمیم بر همه انقلاب ها قلمداد نماید. دیدگاه او که تحت عنوان «ترمیدور» یا بازگشت به ارزش های پیشین، مطرح شده است. (بریتون، ۱۳۶۳ : ۲۴۰) وی معتقد است که دوران پس از پیروزی انقلاب و بازگشت نظام اجتماعی به ارزش های پیشین به عنوان رفتار محتوم یک انقلاب اشاره می نماید.

(مهدوی زادگان، ۱۳۸۰: ۱۳-۱۴)

در تحلیل و نقد نظر «بریتون» که می‌توان آن را جبر تاریخی انقلاب‌ها دانست، بگونه‌ای ناظر به فروپاشی و یا استحاله انقلاب‌ها می‌باشد و عملاً قضاوت در مورد چهار انقلاب فرانسه، آمریکا، انگلیس و روسیه، بوده و بیان حالت انقلاب در دوران گذراست. با توجه به اینکه این دیدگاه ۱۱ سال قبل از وقوع انقلاب اسلامی ارائه شده، تحلیل درستی از انقلاب اسلامی نمی‌تواند داشته باشد (مهدوی زادگان، ۱۳۸۰: ۱۳-۱۴).

نگاه دیگری که در زمینه آینده انقلاب‌ها وجود دارد، فرایند «عادی‌سازی» انقلاب‌ها است. «داوود مهدوی زادگان» در کتاب «عادی‌سازی جنبش‌های مردمی در ایران معاصر» در این زمینه می‌نویسد: «انقلاب‌ها و جنبش‌های مردمی در کشاکش تحولات و رویدادهای سیاسی و اجتماعی، فرایندی را پشت سر می‌گذارند که از آن با عنوان «عادی‌سازی»، روزمره شدن» و «نهادینه شدن» انقلاب‌ها یاد می‌شود و گویی سرنوشت محتومی برای تمام انقلاب‌ها می‌باشد. جامعه در این نوع عادی‌سازی، با دگرگونی مشروعیت سیاسی روبروست. اگر جنبش مردمی، هویت معنویت خواهانه (نه سنتی) داشته و از رهبری مذهبی بهره‌مند باشد. عادی‌سازی به معنای پیشین (گذر از وضعیت انقلابی) تفسیر دیگری نیز دارد و آن دنیوی شدن و عرفی شدن است (مهدوی زادگان، ۱۳۸۰: ۱۳-۱۴).

در بحث مورد نظر پژوهش «منوچهر محمدی» نیز دیدگاهی را در مورد مسائلی که انقلابیون پس از پیروزی در انقلاب با آن مواجه هستند و راهکارهایی که با انجام آن آینده انقلاب تضمین می‌گردد (محمدی، ۱۳۸۲: ۵۶-۵۸).

در مجموع در تحلیل و نقد دیدگاه‌ها و تفاسیر یاد شده به نظر می‌رسد که عمده این دیدگاه‌ها، بیان وضعیت و حالت انقلاب در یک دوره معین است که مثلاً در دیدگاه بریتون بررسی چند وضعیت مشابه در چهار انقلاب انجام شده است. همچنین دیدگاه مهدوی زادگان و منوچهر محمدی که هر یک از زاویه‌ای تبیین وضعیت و حالت دوران گذر انقلاب اسلامی است. و نمی‌تواند به عنوان یک قاعده برای انقلاب‌ها در نظر گرفت. گرچه بعضی ویژگیها می‌تواند برای همه انقلاب‌ها حالت کم و بیش یکسانی را داشته باشد مثل کمتر شدن احساس و شور انقلابی بر اثر روند رو به جلو انقلاب.

باید توجه داشت که مراحل گوناگون هر انقلاب را باید ویژه همان انقلاب دانست، زیرا شرایط اجتماعی، سیاسی و تاریخی و همچنین شیوه رهبری و حوادث تأثیر گذار در روند هر انقلاب با سایر انقلاب‌ها تفاوت اساسی دارد و نمی‌توان یک قاعده کلی برای همه انقلاب‌ها ارائه داد. از همه مهمتر خصوصیات ویژه انقلاب اسلامی است که تمام نظریه‌های موجود را تحت تأثیر خود قرار داده که نیاز به شناخت دقیق مؤلفه‌های دین اسلام و آرمان‌های انقلابی برگرفته از آن دارد تا با تبیین درست آرمان‌ها و تلاش در جهت تحقق آنها و حفظ دستاوردها

و نیز رفع آسیبهای داخلی و خارجی انقلاب، زمینه را برای استمرار و تداوم انقلاب اسلامی فراهم نموده و آینده آن را تضمین نماییم (ر.ک زمانی، ۱۳۸۸: ۳۳-۵۶)

۱- سناریونویسی

«سناریو نویسی» یکی از تکنیکهای پایه ای آینده پژوهی است که برای تحلیل روند گذشته و تحلیل آینده کاربرد دارند و تمرکز سناریو نویسی، ایجاد یا بازسازی وقایع و روند های آینده و گذشته بر اساس مجموعه شواهد، داده ها و اطلاعات گردآوری شده می باشد. سناریو ها به عنوان محصول آینده پژوهی دارای ارزش هایی می باشد که عبارتند از: مهیا کننده الگوهای ذهنی منسجم آینده، ساخت فرضیه های کلیدی، اجبار مدیران به تفکر درباره آینده، افزایش فهم و درک درباره محیط بیرونی، و تشویق به تفکر راهبری و سیستمیک (حاجیان، ۱۳۹۱: ۲۵۹)

سناریوها دارای اهدافی هستند که عبارتند از: مشخص کردن مواردی که برای مطالعه اولویت دارند، تعیین عوامل سیاسی، استراتژیک آنها و امکاناتی که برای تحقق اهداف خود دارند، توصیف تحول سیستم مورد مطالعه (حاجیان، ۱۳۹۱: ۲۶۵)

در این روش از آینده پژوهی تلاش می گردد تا با طرح سناریو های مختلف درباره موضوع و بحث درباره آنها، پیش بینی هایی از آینده مورد بحث با توجه به امکانات و شرایط محتمل ارائه گردد.

۲. سناریو های محتمل و متغیر های دخیل

بطور کلی سناریوهای این مقاله بر اساس چند محور سازماندهی شده است که مبنای طرح فرضیه ها می باشد. محور اول ماهیت انقلاب اسلامی و تحولات آینده. محور دوم مسائل پیش روی انقلاب و محور سوم تحولات نظام بین الملل است. بر اساس به طرح فرضیه ها و ارزیابی آنها می پردازیم.

متغیرهای دخیل در پاسخ به سوال اصلی در سه حوزه محیط، عملکرد و جهت گیری طراحی شده است. منظور از محیط، محیط بین المللی و تحولات ناشی از جهانی شدن و محیط داخلی و تحولات مرتبط با آن می باشد. منظور از عملکرد هم نحوه جهت گیری و اقدام تصمیم گیرندگان در عرصه بین المللی و ناکارآمدی روند مدیریتی حاکم بر کشور می باشد. همچنین این متغیرها بر اساس سه محور ماهیت انقلاب اسلامی، مسائل پیش روی انقلاب اسلامی، و تاثیرات محیطی بر آن تبیین شده است.

با توجه به آنچه گفته شد بطور کلی چند سناریو درباره آینده انقلاب اسلامی می توان ترسیم نمود که ابتدا می باید هر یک از سناریو ها را طرح نموده و درباره اینکه وقوع هر یک

از این سناریو ها تا چه اندازه برای آینده انقلاب اسلامی موثر است، استدلال هایی را ارائه دهیم. این سناریو ها عبارتند از: عدول از آرمان های انقلاب اسلامی و حرکت به سوی دیگری غیر از اهداف و آرمان های انقلاب اسلامی. تضعیف نظام در برابر فشار های بین المللی، تضعیف نظام در برابر فشار های داخلی و نهایتاً به عنوان سناریویی دیگر می توان به پیشرفت و روند رو به رشد انقلاب اسلامی در رسیدن به آرمان ها و اهداف خود اشاره نمود.

۲-۱. سناریوی عدول از آرمان ها به دلیل فرا مادی بودن آنها

یکی از سناریوهایی که می توان برای تحلیل آینده انقلاب اسلامی مورد بحث و بررسی قرار داد این است که با توجه به ماهیت انقلاب اسلامی و تجلی آن در نظام جمهوری اسلامی توجه به ابعاد فرامادی در نظام در آینده با چالش های ناشی از مولفه های ایدئولوژیکی روبروست که پیش بینی وضعیت تعدیل معیارها، تضعیف معیارها و تقویت معیارها امکان پذیر است. این سناریو معتقد است که دنیای امروزی دنیایی است که معنویات جایگاهی در عرصه اداره جامعه نداشته و به تدریج کمرنگ می شوند. بر اساس این دیدگاه همه جوامع به ناچار مسیر سکولاریسم را طی خواهند نمود (رک بشیریه، ۱۳۸۰: ۹۸-۱۴۵)

باید توجه داشت پشتوانه این استدلال، فضای شکل گرفته در غرب در برابر مسیحیت کاتولیک است و بر این اعتقاد است پس از آن حکومت های دینی تضعیف شدند بگونه ای که پس از مدتی برخی از حکومت هایی که به نام اسلام حکومت می کردند نیز به سکولاریسم روی آوردند. بنابراین بر اساس این دیدگاه حکومت های مبتنی بر دین رو به زوال است و انقلاب اسلامی ایران نیز یکی از این نوع حکومت ها است. (رک بشیریه، ۱۳۸۰: ۹۸-۱۴۵) به علاوه با توجه به اینکه اکثریت کشور های جهان این نوع حکومت غیر دینی دارند و اهداف و آرمان های حکومت دینی دائماً در تعارض با منافع حکومت های غیر دینی است، این نوع حکومت خود به خود منزوی خواهد شد و نخواهد توانست به آرمان ها و اهداف تعیین شده دست یابد.

در بررسی این سناریو چند نکته را باید در نظر گرفت. اول اینکه اغلب ادیان بصورت یکسان نگریسه می شوند و تفاوت های اسلام و مسیحیت در این سناریو در نظر گرفته نشده است. به علاوه در بحث اسلام نیز تمایزی میان دیدگاه های شیعی و اهل سنت ارائه نشده و هر دو یکسان در نظر گرفته می شود دیدگاه باز و عمیق اسلام شیعی با دیدگاه مبتنی بر سلفی از اسلام و قرآن سنخیتی ندارد و ایرانیان شیعه اولین قربانیان این افراطی گری سلفی هستند (nasr.2006:30-31). برخی دولت هایی که در جهان اسلام به سوی سکولاریسم رفته اند از اصول اندیشه سیاسی غنی اسلامی برخوردار نبوده (رک عنایت، ۱۳۷۲: ۹۹-۱۱۰) و بارها متفکران

مسلمان تلاش نموده اند که انحطاط و ضعف این دولت ها را فاصله گرفته از اسلام ناب معرفی نمایند. به عبارت دیگر اگر هم برخی دولت های اسلامی وجود داشته که به سوی سکولاریسم حرکت کرده اند، به این علت بوده که از اسلام ناب پیروی ننموده اند.

باید توجه داشت که مبانی اصیل دولت شیعی در ایران را نمی توان با دیگر ساختارها و حکومت های اسلامی دیگر معاصر که به سکولاریسم گراییدند مقایسه نمود و این دولت ویژگی هایی دارد که با دیگر دولت ها و نگاه آنان به اسلام متفاوت است و انقلاب اسلامی نیز برگرفته از مبانی اعتقادی و فرهنگی شیعه است. (ر.ک هنری لطیف پور، ۱۳۸۰: ۴۵-۷۵)

نکته دیگری که می باید در نظر گرفت این است که بر اساس دیدگاه بسیاری از تحلیلگران، انقلاب اسلامی واکنشی به مدرنیته بود و زمانی اتفاق افتاد که بسیاری از اندیشمندان معتقد بودند که عصر حکومت های دینی به پایان خود رسیده. در این زمینه توجه به دیدگاه میشل فوکو درباره انقلاب اسلامی جالب توجه است.

فوکو زمینه های انقلاب اسلامی را در اندیشه های تشیع جستجو می کند و معتقد است که مذهب تشیع دارای ویژگی هایی است که در فرهنگ غرب مفقود است. وی دو ویژگی تأثیر گذار در حرکت های مذهب تشیع عبارتند از ۱- اعتقاد به امام زمان (عج) و نقش او در زندگی مردم شیعه ۲- وجود روحانیت شیعه و نقش آن ها در حفظ دین. نحوه ارتباط آن ها با این دو عامل به گونه ای است که پویایی مذهب تشیع را تضمین می کند؛ ولی در غرب بنیاد پویایی و استقامت در برابر مدرنیته مرده است (ر.ک. رمضان نرگسی، ۱۳۸۴) وی نقش فعال مذهب تشیع، در روشن نگه داشتن شعله های آن است و برخلاف تبلیغات غربی ها که تحت تأثیر آموزه های مارکس، «دین را افیون ملت ها می دانند»، در ایران این دین است که توده ها را به حرکت واداشته است و در نظر مردم ایران چیزی خنده آورتر از این عبارت نیست. (ر.ک. فوکو، ۱۳۸۹)

با توجه به آنچه در باره نقش دین در شکل گیری انقلاب اسلامی گفته شد، و همچنین ماهیت انقلاب اسلامی و شرایط متفاوت آن با دیگر انقلاب ها و دیگر حکومت ها، نمی توان نتیجه گرفت که انقلاب اسلامی محکوم به حرکت به سوی سکولاریسم است. همچنین نباید فراموش کرد که انقلاب اسلامی خود در وضعیتی اتفاق افتاد که اغلب نظریه ها و حتی برخی روشنفکران داخلی بر این باور بودند که آرمان های انقلاب اسلامی غیر قابل تحقق است و حتی مدت کوتاهی دوام نخواهد آورد. اما نه تنها چنین وضعیتی رخ نداد بلکه هر روز فرایند رشد انقلاب اسلامی و آزمونگری آن در رویارویی با مسائل و موانع تنومند تر گردید. به علاوه در برابر بحران ها و چالش های داخلی و خارجی که پیش و روی آن قرار گرفت توانست خود را مستحکم کند و بستر های تأثیر گذاری بر جامعه جهانی را ایجاد نمود.

علاوه بر آن انقلاب اسلامی حاوی گفتمانی در درون خود بود که هم چالشی برای گفتمان‌های مسلط دوران خود بود و هم توانست تأثیر فراوانی بر دیگر کشورها و گروه‌های سیاسی جهان داشته باشد (درخشه، ۱۳۹۱: ۲۹). این در حالی است که حتی پس از وقوع انقلاب برخی تحلیل‌گران نیز پایان انقلاب اسلامی را در آینده نزدیک کمتر از چند ماه یا یک یا دو سال پیشبینی کرده بودند اما این انقلاب به حرکت خود ادامه داد و راه پیشرفت و تعالی را پیمود. لذا مهم شناخت قابلیت‌ها و توانمندی‌ها و به‌بیری توجه به عوامل پویایی انقلاب اسلامی جهت توجه به نقش آنها در کارآمدی انقلاب در آینده است.

به علاوه یکی از موضوعاتی که درباره ماهیت منازعات آینده بحث می‌شود موضوع ایدئولوژی است. در این زمینه گفته می‌شود که شبکه‌هایی که پایگاه مذهبی دارند، شبکه‌هایی ذاتی بوده و اساساً ممکن است نقش مهمتر و تاثیرگذارتری تا گروه‌های فراملی سکولار در نفوذ و شکل دهی به نتایج در دوره زمانی منتهی به سال ۲۰۲۵ داشته باشند. در حقیقت، ما می‌توانیم شاهد مقطعی از رهبری روحانیت باشیم که در آن سران مذهبی از قدرت‌ها و عاملان اصلی در حل مناقشات و درگیری‌های آینده در سطح بین‌المللی باشند.

امتیاز ثروت در کسب قدرت و نفوذ هم اکنون در اختیار این دسته از سران مذهبی و مبلغان مذهبی قرار گرفته است. کسانی که در دو بخش مختلف نیم کره‌های زمین، شمال و جنوب دنیا گسترش یافته‌اند. هم‌اکنون پایگاه اینترنتی «امیر خالد» برای مسلمانان و «ماتیو اشمیولو» از این دست به شمار می‌روند، بطوری که پایگاه اینترنتی خالد سومین پایگاه معروف عربی در جهان به شمار می‌رود (الجزیره در مکان اول است). (www.cic.nyu.edu)

از نظر برخی تحلیل‌گران ساختارهای مذهبی می‌تواند اعتراضات اجتماعی و سیاسی را بخصوص برای آن دسته‌ای که فاقد ابزار ارتباطی و نفوذ در اختیار نخبگان سیاسی است، هدایت شود.

سناریوی مذکور در حقیقت معتقد است که نقش دین در جهان در حال کمرنگ شدن است. اما با توجه به مطالب گفته شده اینگونه استنباط میشود که در آینده نه تنها نقش دین کمرنگ نشده بلکه جایگاه مهمی در مناسبات جهانی دارد. همچنین تحولات اخیر در شمال آفریقا (۲۰۱۱) و جنبش‌هایی که در جهان عرب روی داد، همچنین موج اعتراضاتی که در برابر توهین به مقدسات مسلمانان مانند فیلم موهنی که در توهین به پیامبر در سپتامبر ۲۰۱۲ در امریکا تولید شد، نشان داد که نه تنها اسلام در اجتماع و قوانین اجتماعی کمرنگ نشده بلکه ملت‌های انقلابی بر اینکه می‌باید قوانین اسلامی بر جامعه آنان حاکم باشد، تأکید دارند. بیداری اسلامی در دنیای عرب بشارت دهنده تجدید حیات اسلام، تفکر اسلامی و تمدن اسلامی و عبور از نظم و ستفالیایی عالم به نظم جدیدی است که تفکر اسلامی نقطه کانون شکل‌گیری و

نضج آن است. نظمی که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران آغاز آن بود و تحولات اخیر در دنیای عرب در امتداد آن است.

همچنین در گزارش روندهای ۲۰۲۵ بخشی هم به وضعیت مسلمانان در اروپای غربی اختصاص داده که در آن پیش بینی گزارش از جمعیت مسلمانان در اروپا بین ۱۵ تا ۱۸ میلیون نفر است. بیشترین میزان مسلمانان -بین شش تا هشت درصد- در فرانسه هستند (پنج میلیون نفر) و هلند (حدود یک میلیون نفر)، پس از آن کشورهایی قرار دارند که مسلمانان ۴ تا ۶ درصد جمعیت آنها را به خود اختصاص داده‌اند مانند آلمان (سه و نیم میلیون نفر)، دانمارک (۳۰۰ هزار نفر)، اتریش (۵۰۰ هزار نفر) و سوئیس (۳۵۰ هزار نفر). انگلیس و ایتالیا نیز به ترتیب با یک و هشت دهم و یک میلیون نفر دارای جمعیت زیادی از مسلمانان را در خود جای داده اند (www.cic.nyu.edu).

بر اساس این پیشبینی اگر روندهای کنونی مهاجرت و زاد و ولد (بیشتر از میانگین) ادامه یابد، اروپای غربی تا سال ۲۰۲۵، ۲۵ تا ۳۰ میلیون مسلمان خواهد داشت. کشورهایی که با افزایش شمار مسلمانان روبرو هستند، تغییر سریعی در ترکیب قومی خود خواهند بود. بویژه در حوالی نواحی شهری که به شکل بالقوه‌ای تلاش‌ها برای یکسان سازی و انسجام را مشکل می‌سازد (www.cic.nyu.edu)

گرچه احتمال ضعیفی وجود دارد انجمن‌های مهاجران تا سال ۲۰۲۵ نمایندگی پارلمانی کافی برای اعمال دستور کارهای سیاست داخلی و خارجی به دست آورند، پیش بینی می‌شود مسائل مربوط به امور مسلمانان به کانون فزاینده توجه تبدیل خواهد شد و شکل دهنده صحنه سیاسی اروپا می‌گردد

یکی از سناریوهای عمده گزارش روندهای ۲۰۲۵ در نهایت به هویت اسلام می‌پردازد بر این اساس، اسلام به عنوان هویتی قوی باقی خواهد ماند. فرقه‌گرایی و دیگر اختلاف‌ها میان اسلام منشأ تنش یا شرایطی بدتر خواهد بود. چالش فعالیت اسلامی می‌تواند واکنش‌های تند فعالیت مسیحی را به همراه داشته باشد. نیجریه، اتیوپی و دیگر مکان‌ها در آفریقا میدان نبرد فرقه‌ای خواهند بود. در سال ۲۰۲۵، نظریه همگرایی فرقه‌های متعدد و مسئله تنوع می‌تواند با ترکیبی از چالش‌ها از ملی‌گرایان، متعصبین مذهبی و شاید نسخه‌ای از مارکسیسم احیاء شده یا دیگر ایدئولوژی‌های سکولار یا مربوط به طبقات اجتماعی را به همراه داشته باشد (www.cic.nyu.edu).

انقلاب اسلامی منادی وارد کردن دین در عرصه زندگی اجتماعی بشر است و با توجه به وضعیتی که در آینده برای جهان ترسیم نمودیم، احتمال وقوع چنین وضعیتی ضعیف خواهد بود. بنابراین پیش زمینه این سناریو که احتمال تعدیل در آرمان‌های انقلاب اسلامی را در اثر

فشار های درونی و بیرونی وجود دارد، براین اساس استوار که در منازعات آینده جهان نقش دین کم رنگتر خواهد شد و به سوی سکولاریسم پیش می رویم. این در حالی است که مشاهده کردیم که نه تنها نقش دین در منازعات آینده کم رنگ تر نشده بلکه پر رنگ تر نیز شده است. بنابراین سناریوی مذکور نمی تواند سناریوی قابل قبولی باشد.

همچنین این سناریو، سناریویی است که پیش از این نیز در همان ابتدای انقلاب اسلامی مطرح گردید. اما مشاهده می شود که نه تنها این سناریو محقق نشد بلکه پس از گذشت مدتی از انحراف در برخی آرمان های انقلاب اسلامی در سال های اخیر اقبال به گفتمان انقلاب بیشتر شد. بنابراین احتمال اینکه در سال های آینده انقلاب اسلامی با تعدیل آرمان ها مواجه باشد، سناریویی دور از انتظار است.

با توجه به تحولاتی که اخیراً در کشورهای عربی اتفاق افتاده است، نه تنها اندیشه انقلاب اسلامی به انزوای گراییده بلکه این اندیشه رو به گسترش بوده و حتی در کشورهای عربی - اسلامی نیز خواست های برقراری حکومت دینی و برقراری احکام اسلامی و رفع ممنوعیت حجاب، در رأس خواست های مردم قرار دارد که به عنوان نمونه در تحولات اخیر می توان به تونس اشاره نمود. بدین ترتیب می توان گفت که اندیشه انقلاب اسلامی در نظام بین الملل رو به شکوفایی است و هدف نهایی آن را باید امت واحده اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه دین و عقلانیت و علم و اخلاق، قرار دارد (مقام معظم رهبری، ۲۶/۶/۹۰).

۲-۲- سناریوی تضعیف نظام در اثر فشار های بین المللی

پارامترهای قدرتی در نظام بین المللی مبتنی بر تفکر وستفالیایی بسیار حائز اهمیت است. در این نظام آتارشی گونه اصل بکش تا کشته نشوی یا همان قانون جنگل حاکم است. پارامترهای قدرتی صرفاً جنبه نظامی ندارد بلکه عوامل اقتصادی، مالی، دینی و... میتوانند نقش مهمی را ایفا کند.

به این ترتیب است که در بسیاری از مواقع دولتهای قدرتمند، همواره در دیگران ایجاد ترس و تهدید کرده اند چراکه هرگز نسبت به نحوه استفاده دولتی از توانایی های قدرتی شان وجود ندارد. به عبارت دیگر همواره این ذهنیت وجود دارد که وقتی پارامترهای قدرتی دولتی افزایش می یابد سایر بازیگران به خصوص دولتها نگران اعمال قدرت آن علیه خود میشوند. در اینجاست که انواع مختلف بازدارندگی و اتحادها شکل می گیرد (سیمیر، قربانی، ۱۳۷۸: ۱۸-۲۹).

اهداف کلان نظام سلطه در منطقه خاورمیانه از جمله در ایران عبارتند از:

تضمین جریان یافتن انرژی منطقه به سمت دنیای صنعتی؛ تامین و تضمین منافع اسرائیل؛ مبارزه با اسلام سیاسی به عنوان مبارزه با تروریسم و بنیاد گرایی؛ گسترش فرهنگ آمریکایی در پوشش ایجاد دموکراسی، اقتصاد بازار آزاد و سکولاریسم (hoffhngtonpost,2009) یکی دیگر از سناریو هایی که می توان برای آینده انقلاب ترسیم نمود این است که روندهای پیش روی انقلاب اسلامی متأثر از محیط بین المللی ناشی از تحولات جهانی شدن موجب تشدید چالش های فرهنگی- سیاسی خواهد شد و ممکن است موجب تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران گردد.

باید توجه داشت که این سناریو نیز در همان ابتدای انقلاب اسلامی مطرح گردید و بر اساس آنچه پیشبینی می شد، با فشار های بین المللی علیه انقلاب اسلامی، ایران از پا در خواهد آمد و طولی نخواهد کشید که به سرعت تضعیف خواهد شد. مهمترین این فشارها از ابتدای انقلاب تا به حال عبارتند از: تهاجم نظامی به طبس (۱۳۵۸ش) کودتا نوزده (۱۳۵۹ش) محاصره و تحریم اقتصادی (تا امروز ادامه دارد و در حال افزایش است)، جنگ تحمیلی (۱۳۵۹-۱۳۶۷ش) تهدیدات نظامی بوش پسر (بعد از حمله به عراق و افغانستان) و... یکی از راهکار های فشار بر ایران، جنگ تحمیلی بود که در آن اغلب کشورهای جهان با حمایت های خود از صدام به دنبال محدود کردن ایدئولوژی انقلاب اسلامی بودند. اما با گذشت دوران دفاع مقدس آنچه نتیجه جنگ بود نه تنها تضعیف نظام جمهوری اسلامی نبود بلکه باعث ثبات و همبستگی در درون نظامی اسلامی گردید.

در طول دوران دفاع مقدس نیز انواع تحریم ها علیه نظام جمهوری اسلامی ایران اعمال شد اما این تحریم ها در بسیاری از موارد این تحریم ها که می توانست تهدیدی برای نظام جمهوری اسلامی باشد، تبدیل به فرصت برای نظام گردید و در بسیاری از موارد زمینه ای برای خودکفایی در داخل کشور را فراهم نمود.

دفاع مقدس و جبهه ها فرصتی شد تا اسلام به صورت شهودی درک گردد. بدین ترتیب با تعریف جدید از قدرت و مدیریت دفاع مقدس توسط امام نتایج از پیش تعیین شده حامیان و عاملان جنگ محقق نشد و محققان خارجی را به تجدید نظر درباره ارزیابی خود واداشت. در این جنگ مروری بر اظهارات بهره جویان از جنگ به خوبی، تلخی تغییر موازنه به نفع ایران را روشن می کند (عیوضی و هراتی ۱۳۹۰: ۱۵۹).

البته ناچاری قدرت ها امری نسبی است که بسته به شرایط، تغییر معنا و حدود می دهد. در مورد ایران نیز وقتی محور انقلاب میسر نشد سبب گردید قطنامه هفتم شورای امنیت در مورد جنگ ایران و عراق در تاریخ سال ۶۷ نسبت به قطنامه های پیشین انعطاف بیشتری داشته باشد و موضوع تجاوز و تعیین متجاوز را مد نظر قرار دهد.

جالب آنکه شرایط زمانی صدور این قطنامه مصادف با بسیج عمومی مردم ایران و هجوم وسیع و افشار مختلف به سوی جبهه های نبرد برای یکسره کردن کار جنگ، ضعف مفرط رژیم عراق و سست شدن حامیان آن در امر پشتیبانی از این کشور که در تحلیل جدید آنان چندان ثمر بخش نخواهد بود. در نتیجه نگرانی های قدرت های بزرگ از قدرتمندی ایران، از اواخر سال ۱۳۶۵ تا ماه های نخست سال ۱۳۶۶ به ایجاد جریانی منجر شد که می توان آن را «استراتژی فشار همه جانبه» علیه جمهوری اسلامی نامید.

اهمیت این جریان از آنجا ناشی می شود که پنج کشور عضو دائم شورای امنیت، که تا زمانی هر یک به فراخور منافع خویش نقشی در رابطه با فروش اسلحه یا حمایت های سیاسی - اقتصادی به عراق ایفا کرده بود و به خاطر اختلاف منافع و سیاست های خود نتوانسته بود بر سر یک طرح مشترک تفاهم نماید. اینک عزم خود را جزم کرده بودند تا به اجرای طرح های سری، به گونه ای که منافع همه آن ها کم و بیش محفوظ بماند. (کرمی، ۱۳۸۵، ۱۲۸)

خلاصه آنکه نظام سلطه و در راس آنها دولت آمریکا از راهکارهای سخت و نرم در راه بازدارندگی و مهار ایران استفاده کرده است؛ راهبرد کلان غرب جلوگیری از ظهور قدرت و نفوذ منطقه ای ایران و به هم خوردن موازنه قدرت و هژمونی امریکاست. اما در این میان ریچارد هاس رئیس شورای منطقه ای روابط خارجی آمریکا میگوید:

دوران جدیدی در منطقه خاورمیانه شروع شده است که بارزترین خصیصه آن پایان یافتن سلطه آمریکا بر منطقه و تغییر آشکار موازنه به نفع ایران است (سیمبر، ۱۳۸۹: ۱۲۱)

بنابر ای تحلیل، تجربه سه دهه انقلاب ثابت کرده که تحریم ها نه تنها نتوانسته تأثیر جدی و آسیب زایی بر روحیه انقلابی جامعه ایران وارد کند بلکه بر اساس تجربیات گذشته و به اعتراف برخی از تحلیل گران غربی با عث ایجا فرصت برای انقلاب اسلامی نیز شده است. بنابراین در صورتی که فشار های ناشی از محیط بین الملل تحریم ها باشد نخواهد توانست انقلاب را تضعیف نماید و حتی زمینه های پیشرفت را نیز فراهم خواهد نمود. (رک عیوضی و هراتی، ۱۳۹۰: ۱۵۷-۱۷۲)

این وضعیت را می توان از اظهار نظر برخی از تحلیل گران غربی نیز استنباط نمود. آنان بر این باورند که تحریم ها بر ایران اثری ندارد و حتی در برخی از تحلیل ها نیز آمده است که تحریم ها موجب تقویت ایران نیز می گردد و جمهوری اسلامی ایران علاوه بر این تحریم ها توانسته به دست آورد های مطلوبی در عرصه های مختلف دست پیدا نماید. (Leveret, 2011: 28)

موضوع را از جنبه دیگر نیز می توان تحلیل کرد. در این تحلیل در واقع انقلاب اسلامی است که هنجار های حاکم بر نظام بین الملل را به چالش کشانیده است. در واقع انقلاب اسلامی به عنوان فشاری بر نظام بین الملل مطرح شده است. لذا این نظام بین الملل است که

در حال تأثیر پذیری از انقلاب اسلامی می باشد (حشمت زاده، ۱۳۸۵: ۱۷). برای مثال اسنایدر به نقش انقلاب اسلامی ایران در ایجاد مبارزه با نظم هژمونیک لیبرال به رهبری آمریکا تأکید می کند؛ او انقلاب ایران را عامل احیای اسلام سیاسی و شکل گیری جنبشهای اسلامی می داند که نظم و نظام بین الملل لیبرال سکولار موجود را به چالش کشیده است (snyder.199.43). بنابراین نه تنها احتمال وقوع سناریوی مذکور ضعیف است بلکه انقلاب اسلامی و نظام اسلامی در حال تقویت شدن است. ایران دارای پارامترهای مختلف قدرت است از جمله آنها: ایران مهمترین تولید کننده نفت است، قدرتمندترین بازیگر خلیج فارس است، دارای نقش تعیین کننده ای در جهان اسلام و منطقه خاورمیانه است، تنگه هرمز را به عنوان شاهراه گلوگاه نفت جهان در اختیار دارد، دارای موقعیت ژئوپلتیک ممتازی در منطقه و جهان است، از همه مهتر مکتب و ایدئولوژیی دارد که تمام این پارامترها را جهت می دهد و ویژگی ممتاز ایران و انقلاب اسلامی در دنیای معاصر است.

اما موضوع دیگری که درباره این سناریو قابل ذکر است، بحث فرهنگ و یا به تعبیری جهانی شدن فرهنگ است. بر اساس این دیدگاه در پروژه جهانی شدن بسیاری از کشورها تحت تأثیر فرهنگ لیبرال دمکراسی قرار می گیرد و تلاش آمریکا برای دمکراسی سازی که سالها در جهان پیگیری می شود (رک سلیمانی، ۱۳۹۱: ۹۵) به ثمر نشست و انقلاب اسلامی نیز پس از گذشت مدتی با تحت تأثیر قرار گرفتن فرهنگ لیبرال دمکراسی به ضعف منجر خواهد شد.

در این زمینه توجه به یک نکته ضروری است. افرادی که درباره جهانی شدن بحث نموده اند، موانعی را در برابر آن ترسیم نموده اند. از جمله این موانع می توان به هویت اشاره نمود. در حقیقت تا زمانی که هویت مکتبی و فرهنگی با مشکلی مواجه نشده باشد فرهنگ لیبرال دمکراسی نخواهد توانست خود را جایگزین نماید.

در صورتی که به آرمانها و اهداف پایبند باشیم و هویت خود را حفظ نماییم این امر نیز محقق نخواهد شد. بنابراین با مدیریت فرهنگی مطلوب می توان از وقوع چنین مشکلی جلوگیری نمود که البته کاری بس دشوار و صعب است و کاستی هایی هم در این زمینه وجود دارد.

۲-۳. سناریوی تضعیف نظام در اثر منازعات سیاسی داخلی

یکی دیگر از سناریو هایی که برای آینده انقلاب اسلامی می توان ترسیم نمود این است که روندهای پیش روی انقلاب اسلامی متأثر از محیط داخلی ناشی از تشدید منازعات سیاسی،

تضعیف قلمرو فرهنگی، ناکارآمدی در نظام مدیریتی کشور موجب تضعیف حاکمیت نظام ولایت فقیه و ایجاد فاصله از آرمان ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی خواهد شد.

در بحث از این سناریو باید توجه داشت که منازعات داخلی در ایران موضوع تازه ای نیست و نباید فراموش نمود که در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی شاهد منازعات گسترده ای از سوی گروه های مختلف بودیم (برخی از این موارد در سطور قبل اشاره شد). در آن روزها نظام اسلامی با چالش های جدی در عرصه داخلی مواجه بود و هنوز نظام به تثبیت نشده بود و ناامنی های داخلی بسیار گسترده بود و با نگاهی به وقایع آن سالها میتوان دریافت که وضعیت منازعات داخلی در دوران اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی بسیار شدید تر و وسیع تر از امروز بود. اما امروز بعد از گذشت سی سال وضعیت بسیار متفاوت است و منازعات داخلی چهارچوب خاص خود را دارد حتی در موادی نظیر شرایط نظیر ۱۸ تیر ۸۷ و یا حوادث بعد از انتخابات ریاست جمهوری دور دهم، در سال ۱۳۸۸ نیز که با حمایت های گسترده رسانه ای و مالی خارجی همراه بود و مدیریت این منازعات نشان داد که انقلاب اسلامی ایران هنوز هم از پشتوانه های مردمی برخوردار است و هر چند منازعات داخلی در کشور وجود داشته باشد که البته در هر کشوری طبیعی است اما تا کنون نتوانسته آسیب جدی به کشور وارد سازد. این وضعیت در برخی موارد نیز موجب پویایی انقلاب اسلامی نیز شده است. البته نمیتوان از نظر دور داشت که این منازعات در ایران به ایجاد شکاف هایی در سطوح مختلف منجر شده و میشود. پس از ارتحال امام خمینی و پایان دفاع مقدس و جنگ سخت، دور جدیدی از تقابل با جمهوری اسلامی آغاز شد. در این مرحله برخورد سخت افزاری جای خود را به مقابله نرم افزاری داد. جنگ نرم ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و رسانه ای دارد که دشمن در تمام این حوزه ها فعال شد. در تمام این مراحل عنصر رهبری که قطعاً علت محدثه و مبقیه در بسیج توده های مردم و ارائه و تبیین مکتب و دفع و رفع خطرهایی که در کمین موجودیت تمام انقلاب ها علی الخصوص انقلاب اسلامی ایران است، نقش اساسی و تعیین کننده ای در مدیریت چالش ها و بحران های به وجود آمده در پی جنگ نرم و سخت دشمن داخلی و خارجی داشته و دارد (رک. محمدی و معینی پور: ۱۳۹۰).

در این میان بحث از حمله به ولایت فقیه و زیر سؤال بردن آن موضوع تازه ای نیست. از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی مورد حمله برخی از گروه ها و جریان های فکری قرار گرفته به گونه ای که بخشی از بیانات بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به این موضوع بود. حتی شبهات و بدگویی از ولایت فقیه در آن زمان شدت بیشتری نسبت به زمان حاضر دارد اما با آن همه حمله این موضوع نیز به پایان رسید. حوادث سال های اخیر و پیروی مردم از ولی فقیه زمان خود نیز نشان داد که جایگاه ولی فقیه نه تنها تضعیف نشده است بلکه

جایگاه خود را حفظ نموده است. این هم‌افزایی محصول مجموعه‌ای از دین‌مداری، مکتب‌گرایی و عقلانیت محوری و قانون‌گرایی است که در مقاطع مختلف انقلاب اسلامی رخ نموده و مسائل انقلاب را حل کرده است (ر.ک. محمدی و معینی پور: ۱۳۹۰).

۳. پیشرفت انقلاب اسلامی و اعتلای آن در جهان

در بررسی ویژگی‌هایی که انقلاب اسلامی بر اساس آن شکل گرفت می‌توان گفت که انقلاب اسلامی بر مبنای یک حرکت دینی و به منظور کنار نهادن طاغوت و روی کار آمدن حکومتی بوجود آمد که مبتنی بر دین و آموزه‌ای دینی باشد. بنابراین در صورتی که بخواهیم انقلاب اسلامی را با حرکت انبیاء الهی تشبیه نماییم می‌توان با استفاده از نتایج تاریخی در اینگونه حرکت‌ها به تحلیل آینده انقلاب اسلامی اشاره نمود.

در طول تاریخ دعوت انبیاء و حرکت انقلابی آنان شاهد مشکلات فراوانی هستیم که انبیاء الهی با آن روبرو می‌گردند. یکی از این مشکلات برخورد شدید طاغوت هر زمان با این حرکت است. هرچند دعوت انبیاء به سوی خداوند دعوتی راستیم و حاوی حقیقت است اما منافع بسیاری را به خطر می‌اندازد. بدین ترتیب با آن برخورد‌ها جدی صورت می‌گیرد. انقلاب اسلامی ایران نیز با استفاده از آموزه‌های اسلامی و با تأسی از حرکت انقلابی پیامبر اسلام صورت گرفت. پیامبر اسلام علاوه بر مشکلاتی که در دعوت به اسلام داشت پس از آنکه موفق به تشکیل حکومت در مدینه بر مبنای اسلام شد، موجبات دشمنی قریش و سران دیگر قبائل عربستان را به دنبال داشت.

بنابراین حتی پس از استقرار پیامبر در مدینه و تشکیل دولت اسلامی که آرمان‌ها و اهداف خاصی را دنبال می‌نمود، دولت اسلامی با چالش‌های خارجی گسترده‌ای روبرو گردید. این چالش‌ها شامل چالش‌های منطقه‌ای فرا منطقه‌ای می‌شد و پیامبر اسلام علاوه بر مسئله نفاق در درون دنیای اسلام با قبائل اطراف مدینه، یهودیت و همچنین سران قریش که منافع آنان با گسترش اسلام به خطر می‌افتاد، مواجه گردید. (ر.ک. رسول جعفریان، ۱۳۸۳: ۵۵۷-۵۶۲)

هرچند در این وضعیت پیامبر اسلام بارها در وضعیتی قرار گرفت که تصور می‌شد که کاملاً از بین خواهد رفت اما این مسئله روی نداد و پیامبر در جنگ‌های مختلف موفق گردید تا حقانیت خود را به اثبات برساند. به عنوان مثال در جنگ احزاب که تصور می‌شد با آن لشگر عظیمی که از سراسر عربستان علیه پیامبر بسیج شده بودند، چیزی از اسلام باقی نماند و بسیاری از مسلمانان در یأس و ناامیدی در برخورد با دشمنان قرار گرفته بودند، در این حالت پیامبر نه تنها وعده پیروزی و نصرت می‌دهد بلکه بر اساس وحی الهی وعده می‌دهد که کاخ‌های کسری و امپراطوری رم به دست مسلمانان فتح خواهد شد.

نکته جالب این بود که در زمانی که پیامبر اسلام این وعده را می دهد، با توجه به شرایطی که مسلمانان در آن قرار دارند برخی از مسلمانان و یا بگویم منافقان با لحن تمسخر آمیزی به پیامبر می گویند « ما در شبه جزیره محاصره شده ایم و هر لحظه امکان دارد همگی ما از بین برویم آنوقت تو به ما وعده کاخ کسری را می دهی » این عبارت به کار رفته نشان می دهد که مسلمانان در وضعیت محاصره بسیار سختی قرار گرفته بودند و هیچ امیدی به آینده نبود. اما با توجه به اینکه حرکت بر مبنای دعوت حقیقت است، پیروزی حاصل مسلمانان می شود. اما کار به این پیروزی ختم نمی شود و مسلمانانی که در آغاز عده ای ضعیف در شهر مکه را تشکیل می دادند در ادامه موفق می شوند تا امپراطوری روم و ایران را فتح نمایند (ر.ک جعفریان، ۱۳۸۳: ۵۵۷-۵۶۲)

در بررسی انقلاب اسلامی نیز در صورتی که اهداف و آرمان های آن را بر مبنای تعالیم الهی و به منظور تشکیل حکومت اسلامی و اجرای احکام و حدود اسلامی بدانیم، می توان بر مبنای تجربیات تاریخ اسلام آن را تحلیل نمود. براین اساس انقلاب اسلامی برای تحقق خود راه سختی را طی نمود تا به پیروزی رسید و از مهم ترین اهداف و آرمان های آن تحقق مبنای اسلام در جامعه اسلامی در تمامی عرصه های زندگی بود (ر.ک عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ۴۵۲-۵۰۰)

انقلاب اسلامی با توجه به نگرش اسلامی و رویکرد دینی خود منافع بسیاری از ابرقدرت ها را به خطر می انداخت. دقیقاً همانطوری که مشرکان قریش از تبلیغ اسلام خشمگین می شدند و تلاش کردند تا با اسلام با ابزار های مختلف مقابله نمایند، انقلاب اسلامی ایران نیز برای آنان خطرناک بود و می باید با آن مقابله می نمودند. بنابراین از ابتدای وقوع با استفاده از ابزار تحریم، ابزار نظامی و همچنین ابزار های تبلیغی و جنگ نرم به مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران پرداختند (ر.ک عمید زنجانی، ۱۳۸۴)

مشابه همین برنامه ها در راستای گسترش اسلام در عربستان نیز روی داد و مشرکان با استفاده از ابزار تحریم، جنگ نرم و جنگ سخت تلاش نمودند تا از ادامه راه انقلاب پیامبر جلوگیری نمایند. آن ها در این را حتی از مذاکره نیز استفاده نمودند اما نتیجه ای برای آنان نداشت. نتیجه اینکه حرکتی که پیامبر آغاز نموده بود منجر به پیروزی شد و در نهایت اسلام گسترش یافت و ایدئولوژی هایی که مقابل اسلام ایستاده بودند پس از گذشت مدتی رو به افول رفتند (ر.ک شهیدی، ۱۳۷۱، ۴۵-۶۵)

حال اگر بخواهیم شرایطی که انقلاب اسلامی در آن قرار گرفته را با شرایط آن روز پیامبر مقایسه کنیم می توان به نتایج جالب توجهی دست پیدا نمود. امروز انقلاب اسلامی با توجه به نگاه ویژه خود به مسائل جهانی و همچنین به چلش کشیدن ایدئولوژی های مادی را، بشدت از سوی سران قدرت جهانی مورد تهدید قرار گرفته است. از تحریم های بین المللی گرفته

تا تهدید به حمله نظامی و برخورد های روانی و همچنین جنگ نرم که با استفاده از رسانه های جمعی از آن استفاده می شود .

البته این شرایط نیز ممکن است وضعیت دشواری را برای جامعه فراهم نماید همانگونه که این وضعیت دشوار را برای پیامبر اسلام و جامعه اسلامی آن روز فراهم آورد . به علاوه تبلیغات سوء که از سوی دشمنان انقلاب درباره وضعیت ایران صورت می گیرد نیز ممکن است به این موضوع دامن بزند. همچنین منافقان داخلی نیز همچون زمان پیامبر با تضعیف روحیه و ایجاد موج منفی در جامعه موجب ایجاد تردید در میان افراد جامعه گردند اما در صورتی که به آرمان ها و اهداف توجه شود و در راه آنان استقامت شود ، آینده مطلوبی در انتظار انقلاب اسلامی خواهد بود.

البته در این زمینه یک نکته را نباید از نظر دور داشت. و آن اینکه انقلاب اسلامی ایران بر اساس آرمان ها و اهدافی خاص شکل گرفته و این پافشاری بر آرمان ها و اهداف است که آینده مطلوبی را پیش و روی انقلاب اسلامی قرار می دهد. بنابراین در صورتی که از این آرمان ها و اهداف و همچنین اصول انقلاب اسلامی فاصله بگیریم طبعاً آینده مطلوبی نیز در انتظار انقلاب اسلامی نخواهد بود.

همانند وضعیتی که در انقلاب پیامبر اسلام (ص) روی داد و پس از رحلت ایشان ، از آرمان ها و اصولی که پیامبر(ص) ترسیم نموده بود فاصله گرفته شد و پس از آن جامعه اسلامی با مشکلاتی مواجه گردید. پس از پیامبر اسلام جریانی در جامعه اسلامی حاکم شد که بر خلاف اصول اسلامی بود و دنیا گرایی را تبلیغ می نمود و دین به عنوان ابزاری برای رسیدن به این هدف استفاده می گردید . همین امر موجب شد تا مسلمانان که پشرفت های گسترده ای را داشتند کم ک رو به ضعف رفته و غرب توانست بر آنان مسلط شود.

باید توجه داشت که احتمال مبتلا شدن انقلاب اسلامی به چنین وضعیتی زیاد است. در صورتی که آرمان ها، اصول و اهداف اولیه انقلاب اسلامی به فراموشی سپرده شود و دنیا گرایی، رفاه طلبی و تجمل گرایی بر اصول و اهداف اولیه انقلاب اسلامی چیره گردد، نباید انتظار داشت که انقلاب اسلامی بتواند در مقابل تهدید ها و تحریم ها و مشکلاتی که ابر قدرت ها برای آن ترسیم نموده اند ، ایستادگی نماید.

بنابراین با توجه به حرکتی که انقلاب اسلامی در راستای حرکت انبیاء ترسیم نموده است، در صورتی که بر اصول و آرمان های خود پافشاری نماید و مردم نیز برای این وضعیت آمادگی لازم را داشته باشند و در این زمینه فرهنگ سازی لازم نیز صورت گیرد، انقلاب اسلامی در آینده به عنوان انقلابی فراگیر و الگویی برای دیگر ملت ها در جهات مبارزه با

مستکبران جهانی خواهد بود و با توجه به فرصت های بین المللی پیش روی انقلاب اسلامی خواهد توانست راه تعالی و پیشرفت را بییماید.

از آنچه به عنوان مفروض های تحقیق در نظر گرفته شده بود نیز می توان چنین مطلبی را دریافت. بر اساس این مفروضات انقلاب اسلامی ایران با تاسی به شعارها و اندیشه های صدر اسلام ساماندهی شده است. انقلاب اسلامی در سه رکن رهبری، ایدئولوژی و مردم تجلی خاستگاه شیعی است. انقلاب اسلامی حاوی دستاوردهایی است که حفظ و حراست از آنها شعار پایدار و بادوام این انقلاب است. جمهوری اسلامی ساختار قدرت سیاسی منتج از انقلاب اسلامی است و آینده انقلاب اسلامی در قلمرو مطالعات آینده پژوهی پیش بینی وضعیت های مطلوب است.

نتیجه

در این مقاله تلاش کردیم تا با استفاده از روش سناریو نویسی که یکی از روش های آینده پژوهی است، به تحلیلی از آینده انقلاب اسلامی بپردازیم. بطور کلی چند سناریو درباره آینده انقلاب اسلامی مطرح گردید و به ارزیابی هریک از آنان پرداختیم.

بر اساس ارزیابی های صورت گرفته، برخی از آنها تضعیف شد و استدلال شد که احتمال وقوع آنها برای انقلاب اسلامی، بعید به نظر می رسد. سناریوی عدول از آرمان های به دلیل فرا مادی بودن، با نفی ادعای تضعیف دین در دنیای کنونی و همچنین به استناد تحلیل برخی از پژوهشگران غربی درباره ماهیت انقلاب اسلامی ایران و تحولات پس از آن، به نقد سناریو مذکور پرداخته و احتمال وقوع آن را تضعیف نمودیم.

همچنین با استفاده از شواهد موجود و بررسی های تاریخی پس از انقلاب اسلامی به نقد سناریوی دیگری که موضوع تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران در اثر فشار های بین المللی را مطرح می کند پرداختیم. بر اساس این سناریو، روندهای پیش روی انقلاب اسلامی متأثر از محیط بین المللی ناشی از تحولات جهانی شدن موجب تشدید چالش های فرهنگی - سیاسی خواهد شد و ممکن است موجب تضعیف نظام گردد. در حقیقت تجربه سه دهه انقلاب ثابت نموده است که تحریم ها نه تنها نتوانست تأثیر آسیب زایی بر جامعه ایران وارد کند بلکه بر اساس تجربیات گذشته و به اعتراف برخی از تحلیل گران غربی باعث ایجاد فرصت برای انقلاب اسلامی نیز شده است. بنابراین در صورتی که فشار های ناشی از محیط بین الملل تحریم ها باشد نخواهد توانست انقلاب را تضعیف نماید و حتی زمینه های پیشرفت را نیز فراهم خواهد نمود.

در بحث از فرهنگ نیز انقلاب اسلامی دست آورد های گسترده ای در عرصه فرهنگ در سطح بین الملل داشته است. از ابتدای انقلاب نیز با موضوع تهاجم فرهنگی و امروزه نیز با موضوع جنگ نرم در حال مقابله هستیم و موفقیت هایی قابل احصاء را کسب نموده است. سناریوی دیگری که برای آینده انقلاب اسلامی ترسیم نمودیم، روندهای پیش روی انقلاب اسلامی متأثر از محیط داخلی ناشی از تشدید منازعات سیاسی را موجب تضعیف قلمرو فرهنگی، ناکارآمدی در نظام مدیریتی کشور موجب تضعیف حاکمیت نظام ولایت فقیه و ایجاد فاصله از آرمان ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی معرفی می کرد. در رد این سناریو نیز استدلال هایی ارائه شد. از جمله اینکه باید توجه داشت که منازعات داخلی در ایران موضوع تازه ای نیست و نباید فراموش نمود که در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی شاهد منازعات گسترده ای از سوی گروه های مختلف بودیم. در آن روزها نظام اسلامی با چالش های جدی در عرصه داخلی مواجه بود و هنوز نظام به تثبیت نشده بود و ناامنی های داخلی بسیار گسترده بود.

اما امروز بعد از گذشت سی سال وضعیت بسیار متفاوت است و منازعات داخلی چهارچوب خاص خود را دارد حتی در بدترین شرایط نظیر ۱۸ تیر ۸۷ و یا حوادث بعد از انتخابات ریاست جمهوری دور دهم، در سال ۱۳۸۸ نیز که با حمایت های گسترده رسانه ای و مالی خارجی همراه بود اتفاق خاصی رخ نداد. بحث از حمله به ولایت فقیه و زیر سؤال بردن آن هم موضوع تازه ای نیست. از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی مورد حمله برخی از گروه ها و جریان های فکری قرار گرفته به گونه ای که بخشی از بیانات بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به این موضوع بود. حوادث سال های اخیر نیز نشان داد که جایگاه ولی فقیه نه تنها تضعیف نشده است بلکه جایگاه خود را حفظ نموده است. بنابراین سناریوی مذکور نمی تواند برای ترسیم آینده چندان مفید واقع شود.

پس از بحث و بررسی و رد سناریو های مذکور تلاش نمودیم تا آینده انقلاب اسلامی را بر اساس سناریوی دیگر بررسی نمایم. بر اساس این سناریو رویداد انقلاب اسلامی ایران در راستای حرکت انبیاء و با تاسی به شعار ها و حرکت پیامبر اسلام طراحی شده است. در صورتی که بر اصول و آرمان های خود پافشاری نماید و مردم نیز برای این وضعیت آمادگی لازم را داشته باشند و در این زمینه فرهنگ سازی لازم نیز صورت گیرد، انقلاب اسلامی در آینده به عنوان انقلابی فراگیر و الگویی برای دیگر ملت ها در جهات مبارزه با مستکبران جهانی خواهد بود و با توجه به فرصت های بین المللی پیش روی انقلاب اسلامی که در فصل های گذشته به آن اشاره شد، خواهد توانست راه تعالی و پیشرفت را بپیماید. موضوع بیداری اسلامی و وضعیتی که امروز در نظام بین الملل روی داده که به چند انقلاب مهم در جهان

عرب منجر گردیده و همچنین فراگیر شدن جنبش‌ها در سراسر جهان و بویژه کشور های اروپایی، تأیید کننده این مدعا است و آینده بالنده ای را برای حیات سیاسی انقلاب اسلامی مورد تأیید قرار می دهد.

انقلاب اسلامی ایران با تأسی به شعارها و اندیشه های صدر اسلام ساماندهی شده است و در صورتی که در این راه استوار بماند راه پیشرفت و تعالی را طی خواهد نمود. این انقلاب در سه رکن رهبری-ایدئولوژی و مردم تجلی خاستگاه شیعی است و حاوی دستاوردهایی است که حفظ و حراست از آنها شعار پایدار و بادوام این انقلاب است. دست آورد ها و تجربه سه دهه از انقلاب نشان می دهد که آینده مطلوبی در انتظار انقلاب اسلامی خواهد بود. نظام سیاسی در ایران اگر بر مبنای عقلانیت سعادت محور؛ اجتهاد از منابع دینی و ولایت فقیه عادل و تحقق اخلاق و معنویت (ر.ک. معینی پور، ۱۳۸۹) به مشی خود ادامه دهد و پارامترهای قدرت و توانایی های ژئوپلتیک خود را فرآوری کند، قطعاً آینده ای روشن (هرچند پرفراز و نشیب) را در پی خواهد داشت.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. اساکول، پی (۱۳۸۴) روش های مطالعات آینده پژوهی، ترجمه سعید خزایی، مرکز آینده پژوهی علوم و صنایع دفاعی، معاونت اطلاع رسانی و خدمات علمی، تهران
۲. بازرگان، (بی تا) مهدی، انقلاب ایران در دو حرکت، بی تا، بی جا
۳. بشیریه، حسین، (۱۳۸۰) جامعه شناسی جمهوری اسلامی ایران، نگاه نو، تهران
۴. جعفریان، رسول، (۱۳۸۳) تاریخ سیاسی اسلام (سیره پیامبر)، دلیل ما، قم، ۱۳۸۳.
۵. حشمت زاده، محمد باقر، (۱۳۸۵) آثار و نتایج انقلاب اسلامی ایران، انتشارات کانون اندیشه جوان، تهران
۶. درخشه، جلال، (۱۳۹۱) تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر اسلامگرایی در ترکیه، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۲
۷. رمضان نرگسی، رضا، دغدغه های «میشل فوکو» درباره «انقلاب اسلامی ایران»، مجله آموزه، شماره ۷، بهار ۱۳۸۴.
۸. زمانی، سیدرضا، (۱۳۸۸) آینده انقلاب اسلامی در اندیشه شهید مطهری، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال ششم، شماره ۱۸
۹. سلیمانی، رضا، (۱۳۹۱) رویکرد تنویک به سیاست آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در خاورمیانه فصلنامه علمی - پژوهشی، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۲، بهار
۱۰. سیمبر، رضا، (۱۳۸۹) سیاست خارجی آمریکا و تحریم های جدید علیه جمهوری اسلامی ایران، دو فصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی، سال ششم، شماره دوم
۱۱. سیمبر، رضا و قربانی شیخ نشین، ارسلان، (۱۳۷۸)، روابط بین الملل و دیپلماسی صلح در نظام متحد جهانی، تهران نشر سمت، چاپ دوم.
۱۲. شهیدی، سید جعفر، (۱۳۷۱) تاریخ تحلیلی اسلام، سمت، تهران، ۱۳۷۱
۱۳. شیرودی، مرتضی، (۱۳۸۶) انقلاب اسلامی ایران و جنبش های جهان اسلام، نشریه رواق اندیشه، شماره ۳

۱۴. عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۴) **انقلاب اسلامی و ریشه های آن**، تهران: انتشارات طوبی،
۱۵. عنایت، حمید، (۱۳۷۳) **اندیشه سیاسی اسلام معاصر**، خوارزمی، ج ۳
۱۶. عیوضی و هراتی، محمد رحیم و محمد جواد، (۱۳۸۹) **درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران**، قم، نشر معارف
۱۷. فوکو میشل، (۱۳۸۹) **ایران روح یک جهان بی روح**، تهران نشر نی، ۱۳۸۹
۱۸. کرمی، جهانگیر، (۱۳۸۵) **هژمونی در سیاست بین الملل؛ چارچوب مفهومی**، تجربه تاریخی و آینده آن، پژوهش علوم سیاسی، شماره ۳
۱۹. محمدی، منوچهر، (۱۳۸۶) **بازتاب جهانی انقلاب اسلامی**، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران
۲۰. موحدی، رضا، (۱۳۸۵) **جهانی شدن فرهنگ و تاثیر آن بر ایران**، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی
۲۱. ناظمی، امیر و روح‌اله قدیری، (۱۳۸۴) **آینده‌نگاری از مفهوم تا اجر**، مرکز صنایع نوین، تهران
۲۲. بریتون، کرین، (۱۳۶۳) **کالبد شکافی چهار انقلاب**، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ سوم، تهران: نشر نی
۲۳. عسگری، علی، (۱۳۸۶) **آینده انقلاب**: انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ سوم، تهران
۲۴. مهدوی زادگان، داوود، (۱۳۸۰) **عادی سازی جنبش‌های مردمی**، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران
۲۵. محمدی، منوچهر، (۱۳۸۲) **انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب های فرانسه و روسیه**، قم: معارف، چاپ اول
۲۶. محمدی و معینی پور، مسعود، (۱۳۹۰) **اصول حاکم بر سبک مدیریت مقام معظم رهبری در کنترل و مهار وقایع انتخابات ۱۳۸۸**، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره اول، زمستان.
۲۷. معینی پور، مسعود، (۱۳۸۹) **مؤلفه‌ها و شاخص‌های توسعه سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره)**، فصلنامه علمی پژوهشی متین، شماره ۴۹.

ب. خارجی:

1. Makridakis, S. and Wheelwright, S. (1989). **Forecasting Methods For Management**, 5th. Ed, John Wiley, and Sons, Inc.
2. www.cic.nyu.edu/internationalsecurity/docs/NIC_final.pdf, Global Trends 2025: A Transformed World.
3. leveret, Hillary Man, (2011), **us politics towards Israel&Iran** available on raceforiran.comarchive/us polices/29651/access 28 Des www.
4. Snyder/Robert. (1999) **"The us and Third world revolutionary states: understanding The breakdown in relations**, international studis Quarterly.